

برتابیدن فروغ عالم تاب

شش قرن پس از عیسای مسیح، پیامبری مبعوث شد که پیام آور یکتاپرستی، اعتقاد به معاد، نوید عدالت و بهبود روابط انسان‌ها براساس قانون وحی آسمانی بود. این فرستاده الهی همان وجود پرفروغی بود که حضرت عیسی به آمدنش بشارت داد.^۱

آن خاتم انبیاء، از رسولان پیشین با تکریم نام برد و عظمت آنان را ستود. در قرآن کریم نیز که معجزه و برهان رسالت او و کتاب هدایت انسان‌هاست، گرمی داشت پیامبران مورد تاکید فراوان قرار گرفته است، اما آنچه در کتاب‌های آسمانی گذشته آمده، توسط مغرضان، تحریف شده و آنان مواردی را که این منابع با صراحت از حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله نام برده‌اند، از روی عناد، رشک‌ورزی و زبونی خویش، حذف کرده‌اند؛ البته بسیاری از دانشمندان منصف مسیحی و یهودی ضمن بیان علومی که از انبیا گرفته‌اند و آن‌ها را در آثار خود آورده‌اند، به نبوت رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله اعتراف داشته و سال‌ها قبل از ولادت آن حضرت این موضوع را طرح کرده‌اند و چنین رویدادی را به‌نسل‌های بعد از خویش تذکر داده‌اند؛ قرآن در این باره آورده: «فَمَنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مَنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا» پس گروهی از آنان به نبی اکرم ایمان آوردند و برخی از ایشان از او روی برتافتند و [برای آنان] دوزخ پرشراره بس است.^۲

تقابل نفرت‌انگیز

اروپا، مسیحیت را به عنوان تنها دین راستین می‌دانست؛ آیینی که در هسته

مرکزی آن تثلیث مقدس! جای داشت. مسیحیان بر این باور بودند که عهده‌دار و مالک حقیقت غایی هستند که خدا به آنان ارزانی داشته است. حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله ربوبیت ادعا شده عیسی‌علیه‌السلام را رد کرد و تثلیث را بی‌اعتبار خواند و حتی خاطرنشان ساخت مسیح به‌صلیب کشیده نشده است و...؛ از این‌رو عده‌ای از مسیحیان و وابستگان به کلیساها ادعا کردند خاتم پیامبران بدعتی را در آیین مسیح به‌وجود آورده و تعلیم او با آموزه‌های مسیح و سیره و روش او در تضاد و تباین است. این برخورد منفی با پیامبر اکرم و دین اسلام در قرون وسطی به شیوه‌ای خشن ادامه داشت و ویران‌گرترین تجلی عینی وحشت و نفرت از این آیین، جنگ‌های پی‌درپی صلیبی بود که طی آن صدها هزار مسلمان به دست افراتیون مسیحی قتل عام شدند.^۳

ارزیابی‌های متناقض

در سال‌های پایانی قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی، محققان و مشاهیر اروپایی ارزیابی متفاوتی از شخصیت رسول اکرم ارائه دادند. با از راه رسیدن گوته و نخستین اثر وی، احیای عزت رسول الله به عنوان صاحب نبوغ و جنبه‌های فوق‌العاده فکری و معنوی مورد توجه قرار گرفت. در نیمه قرن نوزدهم «کارل لایب» در سخنرانی‌های مشهور خود در لندن تحت عنوان «در باب قهرمانان» با تجلیل و ستایش از خاتم پیامبران و پیام‌آور اسلام به عنوان شخصیتی شریف، اصیل و بزرگ‌منش در تاریخ، نگرش‌های کینه‌توزانه غربی‌ها را نسبت به محمد و آئین‌اش نکوهش و محکوم کرد.

در همین دوران، شرق‌شناسان اروپایی به سرزمین‌های اسلامی وارد شده و با فرهنگ و تمدن و باورهای مسلمین از نزدیک آشنا شدند، اما متأسفانه بسیاری از آنان به‌جای گزارش صادقانه، به‌درج نکاتی روی آوردند که از خیال‌پردازی و تجسم‌های ذهنی آنان منشأ می‌گرفت

و با واقعیت‌های فرهنگ و تعلیمات اسلامی و سنت‌های مردمان این نواحی انطباق نداشت.^۴

استمرار خصوصیت

در سال‌های آغازین این قرن، نوعی کشش به عرفان اسلامی و سنت‌های شرقی در اروپا پدید آمد که با تأثیرپذیری از چنین جاذبه‌ای اسلام به عنوان دینی فطری، حاوی صفا و اخلاص و معنویت توصیف شد. در آلمان «این ریلکه» عمیقاً تحت تأثیر تعلیمات محمدی قرار گرفت و از دین اسلام به عنوان آیینی که پیروانش برای رسیدن به خدا به میانجی نیاز ندارند تجلیل کرد، ولی اغلب شرح‌حال‌نویسان در نگرش‌ها و نوع برداشت‌های خود نسبت به حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله نکاتی تردیدآمیز را مطرح کردند و گویی آنان هم می‌کوشیدند همان باور کهنه توأم به کینه و نفرت عصر قرون وسطایی را درباره بنیان‌گذار دین اسلام یعنی نبی اکرم احیا کنند.^۵ و این پندار موهوم، کلیشه‌ای و سطحی حتی در دانشنامه‌ها و فرهنگ‌های مرجع راه یافت اگرچه همه نویسندگان چنین خطمشی را دنبال نکردند.

در سال‌های پس از دهه ۱۹۵۰م متخصصان علوم اسلامی در اروپا و مستشرقین و مروّجان آنان به‌جای پرداختن به دیدگاه‌های متعصبانه غربی به منابع اسلامی روی آوردند. این نویسندگان پس از ترجمه قرآن به زبان مادری خود در اروپا چنین نتیجه گرفتند که برخلاف عقاید و دیدگاه‌های موجود، حضرت محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله انسانی فوق‌العاده، راستین و شریف بوده است؛ اگرچه گاهی بخش اعظمی از این فهم و شناخت تأمل‌برانگیز به‌طرز ویرانگری با تصویرگری غیرواقعی و دروغین افرادی مثل سلمان‌رشدی و کتاب‌هایی مثل «آیات شیطانی» مختل می‌شد، آثاری که پیوسته واکنش بسیار منفی مسلمانان را به دنبال داشت.

روزنه‌هایی به سوی روشنائی

خوشبختانه برخلاف این مسیر پرافت‌وخیز، شناخت تازه‌ای که غرب از اسلام به‌دست آورد، موجب شد تا برای درک بهتر معیارهای اساسی و اصولی مسلمانان، برخی از تفکرات دینی و اجتماعی اسلام را از نو مورد بررسی و بازبینی قرار دهد. به‌همین دلیل سرگذشت‌نامه‌های رسول اکرم که



غلامرضا گلی زواره

مستشرقان و دانشمندان اروپایی در سنوات اخیر نوشته‌اند به طور یقین واقع‌بینانه‌تر از آثار نسل‌های پیش است و آنان کوشیده‌اند حق شخصیت آسمانی آخرین پیامبر را به‌درستی ادا کنند. کتاب «محمد رسول و سیاستمدار» از «دبلیو مونته‌گمری وات» از مشهورترین این مطالعات است. «گوتفرید لولینگ» نیز در کتابی به‌معرفی پیامبر اعظم پرداخت و آن حضرت را فرستاده‌ای الهی معرفی کرد که ادامه‌دهنده مسیر رسولان گذشته و آیین‌های آسمانی قبلی بود.

«ماکسیم رودنسون» در سرگذشت‌نامه‌ای که به حضرت محمد اختصاص داد، حقایق مهمی را عرضه داشت. «آندران» هم کوشید تا نقش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را در پیدایش اسلام و دین‌داری مسلمانان جهان به راستی و مطابق واقعیت نشان دهد.^۶ با این توضیحات اجمالی در ذیل به دیدگاه‌های متفکران غربی درباره رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌پردازیم:

گوستاو لوبون چه گفته است:

گوستاو لوبون از جمله خاورپژوهان بلندپایه فرانسوی که در آثارش تعصب‌های یک‌جانبه و منفی نسبت به اسلام و آیین محمدی کمتر به چشم می‌خورد. تعاریف زیبا و ستایش‌های جالبی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و علل گسترش این دین الهی دارد.

اینک اجمالی از دیدگاه‌های درباره حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله:

محمد از اعقاب خاندانی شریف و برجسته بود. هرچه به‌چهل سالگی نزدیک می‌شد بیشتر مجذوب معنویت می‌گردید. تنها به غاری در کوه حرا می‌رفت و چندین روز و شب را با روزه، نماز و تفکر سپری می‌کرد. یکی از شب‌های سال ۶۱۰ میلادی که در آن غار به‌سر می‌برد آن حادثه عظیم که محور همه تاریخ اسلام است برای او رخ داد. از آن پس وحی بارها تکرار شد.

پیامبر در مدینه یک حکومت اسلامی تشکیل داد و بخش مهمی از وقت خود را صرف امور اخلاقی، اجتماعی و مناسبات سیاسی و امور نظامی کرد زیرا کار دین و دنیا را از هم جدا نمی‌دانست. با آن‌که پیامبر به تمامی امور رسیدگی می‌نمود از فرط فروتنی محبوب همگان بود. بارها او را می‌دیدند که پاپوش خود را می‌دوخت یا لباس خویش را وصله می‌زد یا از بازار خوراکی می‌خرید. با محرومان گشادرو و در برابر گردن‌کشان با مهابت برخورد می‌کرد. با وجود سادگی و زهد و قناعت به وضع ظاهر خویش توجه داشت اگرچه تجملات و رفاه‌دگی را بر نمی‌تافت.

اگر بزرگی را به میزان اثر مرد بزرگ در مردمان بسنجیم باید بگوییم محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله از بزرگ‌ترین مشاهیر تاریخ است. وی درصد بود قومی را که در توحش بودند به‌سوی معنویت سوق دهد که موفق شد و از این لحاظ بر تمام مصلحان دیگر رجحان داشت.^۷

در وصف مونته‌گمری وات

«وات» استاد مطالعات اسلامی و شرق‌شناسی در دانشگاه ادینبورگ انگلستان بود. حوزه اصلی مطالعاتش سیره پیامبر اکرم، تفسیر قرآن، فلسفه و عرفان، رابطه اسلام و مسیحیت و تاریخ جهان اسلام بود. وی در وصف رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌نویسد:

شخصیت محمد به‌گونه‌ای بود که احترام و اعتماد مردم را بر اساس مجاهدت‌های دینی و خصال خوب هم‌چون شهامت، قدرت تصمیم و استحکام در رفتار توأم با سخاوت جلب می‌کرد. اخلاق و رفتارشان چنان پسندیده بود که محبت و دوستی مردم را به‌دست می‌آورد و آنان را به فداکاری برمی‌انگیخت. درست است که می‌گویند نارضایتی‌های اجتماعی و انحطاط امپراتوری‌های ایران و روم موجب توسعه اسلام گردید اما نشر و گسترش این آیین بدون صفات و فضیلت‌های رسول اکرم امکان‌پذیر نبود.^۸

از نگاه آنه‌ماری شیمل

آنه‌ماری شیمل محقق و دانشور آلمانی اگرچه مسلمان نبود اما به تمدن و معارف اسلامی در تمامی ابعاد آن عشق می‌ورزید. وی یادآور شده است:

خوانندگان مغرب‌زمین که با سنت آمیخته به نفرتی چندین قرنی نسبت به محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پرورش یافته‌اند شاید انگشت تحیر گردن که مهم‌ترین خصلت پیامبر اکرم، مهربانی و تواضع اوست، تمامی مدارک و منابع معتبر از عطف و در عین حال وقار محمد سخن گفته‌اند.

جنبه‌ای دیگر از زندگی پیامبر که امکان دارد با ذائقه غربی‌ها موافق ننماید، دین و دولت را درهم آمیختن است و این حالت، برهانی است روشن بر نقش منحصربه‌فرد محمد، شهادی بر عظمت مقامش و حقیقت رسالتش. مگر می‌شود خداوندی که او را به سوی مردم مبعوث کرد در دلش نیافتد که امتش را به نیکوترین وجه هدایت کند.

گسترش مقاومت‌ناپذیر اسلام بر شبه جزیره عربستان در دوران زندگی پیامبر و بسط سریع و حیرت‌آور حکومت اسلامی در نخستین سده پس از رحلت پیامبر جای شکی باقی نگذاشت که این دین ظفرمند همان آیین راستین است و آن‌کسی که آن را تبلیغ می‌کند پیامبر بر حق خداوند است چه کسی جز این انسان می‌توانست آخرین وحی جامع را از سوی پروردگار بیاورد.^۹

از نظر برتولد اشپولر

اشپولر در زمینه مباحث شرقی از مراکز علمی چندین

کشور موفق به اخذ درجه دکترا گردید. وی به پانزده زبان آشنایی کامل داشت و از جمله مستشرقان آلمانی است که درباره فرهنگ و ملل اسلامی در خاورمیانه و سایر قلمروهای جهان اسلام تحقیقات و مطالعاتی انجام داد. وی در دانشگاه برلین، مونیخ، گوتینگن و هامبورگ استاد رسمی کرسی اسلام‌شناسی و تاریخ مناطق شرقی بود. وی می‌نویسد:

مشاجرات و تردیدهای ادوار نخستین مسیحیان که سیمای حضرت محمد را برخلاف حقیقت آن‌چه بود، نشان می‌دادند، بی‌چون و چرا باطل است و در این‌که محمد نسبت به رسالت پیامبری خویش صادق بوده، هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. هیچ‌کس نمی‌تواند منکر شود که ظهور آن حضرت جلوی بسیاری از خلاف‌ها و افراط‌کاری‌ها را که در جوامع آن روز رایج بود گرفت و از همان مراحل نخست سیمایش در جوامع اسلامی مورد تجلیل و تکریم قرار گرفت و عصمت و لغزش‌ناپذیری او امر مسلمی گردید و کردار و رفتارشان به‌عنوان نمونه عالی نگریسته می‌شود.^{۱۰}

دیدگاه‌های دیگر دانشمندان

ولتر: دینی که [حضرت] محمد آورد بی‌شک از مسیحیت برتر بود. او قانون‌گذاری خردمند بود که می‌خواست بشریت را از بدبختی، جهل و فساد رهایی بخشد و هرگز قانونی کامل‌تر از قوانین قرآن که به وی وحی گردید، نازل نشده است.^{۱۱}

کارلایل: گرچه به نظر فلسفی تعلیمات [حضرت] محمد صورت کاملی از تعلیم مسیح بود لیکن اگر به دقت به سرعت تأثیر تعلیمات اسلام به دل‌ها بنگریم یقین خواهیم کرد که آیین محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله بهتر از آیین مسیحیتی بود که ساخته اوهام و خیالات و افکار پیروان خود بود زیرا عنصر فروزنده تعلیمات مسیح در پس ابرهای دروغ و اوهام پنهان گشته است.^{۱۲}

دکتر گرینه: آیات قرآن را به دقت مطالعه کردم و از این کتاب حقایق زیادی برای من کشف شد و از این‌رو یقین کردم پیامبر اکرم از روی حقیقت، پیامبر بر حق است زیرا این کتاب را متجاوز از هزار سال قبل برای مردمی آورده که در آن روز ابدا اطلاعی از کشف‌های علوم جدید در دسترس کسی نبوده است.^{۱۳}

دکتر ینواست: در قرآن آیاتی دیده می‌شود که با گذشت قرن‌ها، با آخرین اکتشافات علمی امروز تطبیق می‌کند این موضوع مرا قانع ساخت و موجب شد که به یگانگی خدا و به‌نبوت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله ایمان آورم. اسلامی که او آورد درباره زندگی بشر هیچ نکته‌ای را فروگذار نکرده و یگانه دینی است که با سرشت و طبیعت انسان‌ها انطباق دارد.^{۱۴}

جرج برنارد شو: محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را باید منجی بشریت خواند. من اعتقاد دارم که اگر مردی مثل او

حاکمی در عصر جدید می‌شد برای حل مشکلاتش از صلح و دوستی استفاده می‌کرد. او عالی‌ترین مردی بود که روی زمین پا گذاشته است. او به دین دعوت کرد. یک تمدن را پایه‌گذاری نمود، ملتی را بنا نهاد و اخلاق را نهادینه کرد.^{۱۵}

لامارتین شاعر و مورخ: اگر بزرگی هدف، کم بودن ابزار و رسیدن به نتایج شگفت‌انگیز سه محور سنجش هوش بشری باشد چه کسی ادعای مقایسه بزرگ‌مردان تاریخ کنونی را با حضرت محمد دارد. این مرد نه فقط ارتش‌ها، قوانین، فرمانروایی، مردمان و سلسله‌ها بلکه میلیون‌ها نفر یعنی یک سوم از ساکنان کره زمین و حتی بیش از آن را به جنبش و حرکت واداشت.^{۱۶}

پرفسور هورو گرونجی: وحدت ملت‌های بنا نهاده شده توسط پیامبر اکرم براساس اصول اتحاد بین‌المللی و اخوت بشری پنا گردیده که می‌تواند الگویی برای ملت‌های دیگر باشد در حقیقت هیچ ملتی در جهان نمی‌تواند نظیری برای فهم ایده اتحاد ملل که در اسلام انجام شده نشان دهد.^{۱۷}

میشل اچ هارت: من محمد [صلی‌الله‌علیه‌وآله] را برای معرفی در فهرست اشخاص پر نفوذ دنیا که خوانندگان را متعجب می‌کند برگزیدم اما دریافتم که او تنها کسی بود که در تاریخ در دو بعد دین و دنیا در نهایت موفقیت قرار می‌گیرد.^{۱۸}

کاس.راماک ریشنارائو (استاد فلسفه): شخصیت محمد به گونه‌ای است که رسیدن به تمام حقیقت آن بسیار سخت است. نظری اجمالی این ابعاد را روشن می‌کند: محمد پیامبر، دلاور، سیاستمدار، سخنور، اصلاح‌طلب، پناه‌دهنده یتیمان، حامی بردگان، منجی زنان، قاضی و روحانی است. او یک قهرمان است.^{۱۹}

پی‌نوشت‌ها

۱. سوره صف، آیه ۱.
۲. سوره نساء، آیه ۵۵.
۳. نک: استیون رانسیمن، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه: منوچهر کاشف.
۴. میتو صمیمی، محمد در اروپا، ترجمه: عباس مهرپویا، ص ۴۵-۴۶.
۵. همان، ص ۴۷.
۶. آنه ماری شیمل، محمد رسول خدا، ترجمه: حسن لاهوتی، مقدمه مولف.
۷. نک: ویل دورانت، تاریخ تمدن، بخش اول از عصر ایمان، فصل هشتم.
۸. موننگمری وات، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه: اسماعیل والی‌زاده، ص ۲۹۴-۲۹۶.
۹. آنه ماری شیمل، محمد رسول خدا، ترجمه: حسن لاهوتی، ص ۹۱-۹۰.
۱۰. برتولد اشپولر، جهان اسلام، ترجمه: دکتر قمرآریان، ص ۴۱-۴۲.
۱۱. جواد حدیدی، اسلام از نظر ولتر، ص ۱۰۳-۹۹.
۱۲. نصرت‌الله نیک‌بین، اسلام از دیدگاه دانشمندان غرب، ص ۳۶.
۱۳. فرهنگ اسلام شناسان خارجی، ج اول، ص ۱۹۱.
۱۴. همان، ج ۱، ص ۱۶.
۱۵. نشریه سیاحت غرب، ش ۳۸، شهریور ۱۳۸۵، ص ۵.
۱۶. همان، ص ۶.
۱۷. همان، ص ۹.
۱۸. همان.

the institute of Islamic information. ۱۹

